

میر عنایت الله آشفته سپتمبر 2013

کابل افغانستان نیست:

## پایان هر جنگ صلح مییابد و جنگ افغانستان نیز از این امر مستثنی بوده نمیتواند ؛

شاید پس از چند ماه افغانستان در آستانه تغییر قدرت سیاسی قرار گیرد، ولی در اثر عدم مدیریت سالم سیاسیون افغان، قطع جنگ و امکانات تأمین امنیت تا هنوز به چشم نمیخورد.

- هر جنگ حد اقل دو طرف دارد که جنگ در کشور ما نیز کم از کم در صورتیکه همه طمع جویان قدرت دولتی، بشمول به اصطلاح اپوزیسیون سرکاری را يك طرف بینداریم ؛ مخالفان مقابل دولت که شمار شان به ملیونها هموطن میرسد، غیر مسؤلانه خواهد بود که همه را، چه مسلح و چه غیر مسلح را طالب و طالب را القاعده بنامیم .

آنگاه که موضوع مهم، انتخابات و تأمین امنیت مطرح میگردد، طور حتمی بایست با طرف دیگر جنگ یعنی طالبان بر سر خواسته های اصلی که همانا قدرت و ثروت هست ، در امر تقسیم آن مثل سایر امتیاز طلبان جور آمد صورت گیرد تا اولین گام در راه تأمین امنیت برداشته شده بتواند و به هیچ بهانه به شمول بلند کردن بیرق سفید طالبان، این یگانه راه عملی و ممکن قطع جنگ سبوتاژ نگردد.

زیرا هیچ يك از طرف ها نماینده انتخابی مردم نمیباشد و هر يك به غلط از آدرس اقوام، برای خود و گروپ مُزد بگیر و هواداران معاش خور خویش در حمایت مستقیم ولینعمتان خارجی شان در میدان تقسیم دارایی های عامه به جان مردم افتاده اند.

در رابطه به نحوه تغییر مهره ها در رأس حاکمیت کشور به منطق تقسیم قدرت و طمطراق تبلیغاتی گویا اختلاف بر نحوه نظام ریاستی یا صدارتی بیشتر ریشه نمایشی خارجی دارد تا داخلی و عملی.

مردم به تعویض حاکمان بی کفایت و چهره های آزمون شده بیگانه از ملت دلچسپی ندارند. ملت به ستوه آمده و تشنه به صلح پایدار به نان، تأمین امنیت، ایجاد زمینه کار، تطبیق قانون یکسان، عدالت و . . . نیاز دارند.

از آنجاییکه سیستم انتخاباتی با وصف داشتن چندین کمبودی تا امروز در جهان بدیل بهتر از نحوه انتخابات دیموکراتیک را نتوانسته تجربه نماید، پس انتخابات بهترین امکان و گزینه دانسته میشود.

مشروط بر اینکه امکانات تدویر انتخابات در جامعه، آمادگی روانی مردم و دیگر آمادگی های لازم برای کاندیدا های مقامات انتخاباتی در سرتا سر کشور آماده شده باشد. یا دمان نردود که صرف کابل افغانستان نیست. شعور سیاسی مردم، حضور چشمگیر و مؤثر نهاد های مدنی، حضور قوای خارجی و تبلیغات کر کننده آزادی بیان ، به مراتب متفاوت می باشد.

رگبار گلوله، بمباردمان، ترور، انتحار، انفجار و رقابت های پنهان و عیان گروه ها در جنگ نیاتی و استخباراتی کشور های رقیب منطقه و جهان، در کشمکش قدرت، و ادعای آنهایی که دیروز دم از جهاد فی سبیل الله میزدند، مردم را گوشت دم توپ ساخته، جهاد برحق ملت به پا خواسته را نا عاقبت اندیشانه به بی راهه سوق نمودند تا خود رهبر باشند و امروز تکیه بر حاکمیت سیا سی را بی چون چرا حق طبیعی، قانونی و شرعی خود دانسته و نسل های جوان این سه دهه را مثل ملت متفرق مال

شخصی خویش و فاقد ظرفیت و شعور سیاسی به حساب می آورند. نتیجتاً در صورت تدویر انتخابات غیر شفاف و محدود یکی از همین ها براریکه قدرت تکیه خواهد زد .

راه حل فوری برای نجات ملت و مردم از شر این عاملان جنگ که همه بدون استثناً در تیبانی با بیگانه هاستند در همین چند ماه پیشرو وجود ندارد. مگر اینکه به همت حلقات، گروهها، شخصیت های مؤثر سیاسی با سابقه شفاف، دستان پاک، نیت خیر، کار آگاهانه و خیر اندیشانه، با داشتن توان جسمی، شجاعت و جرأت اخلاقی، استقلال و بیطرفی کامل از مجرای دیپلماتیک و جنگ انداختن به یگانه مرجع مشروع و قانونی که همانا ملل متحد و شورای امنیت آن میباشد، با حمایت جهانی و فشار وارد نمودن لازم بر دولت پاکستان تا قبل از موعد انتخابات به تشویق، ترغیب، آمادگی و امکانات عملی با ایجاد شرایط اعتماد و اطمینان طرفین ، برای اشتراک مخالفان در پروسه انتخابات زمینه را مساعد و درتفاهم قبلاً انجام شده در تقسیم قدرت چون همه میدانیم که خدمت اصلاً برایشان مطرح نیست ، در غیاب نمایندگان انتخابی مردم، برای قطع جنگ به توافق برسند.

در غیر آن تدویر انتخابات ناقص و یکجانبه بوده و صرف تعویض قدرت، بدون پایان جنگ نیابتی، حلال مشکلات مردم تشنه به صلح نمیتواند باشد .

در رابطه به ترس بیرون رفتن بخشی از قوای اشغالگران از کشور، اگر از تداوم حاکمیت عاملان کهنه کار جنگ انصراف بعمل میآید ، رفتن شان یک گام مثبت بطرف استقلال و خود ارادیت ملی میباشد .

**هموطنان آگاه و متعهد به منافع ملی:** پس هدفمندانه بایست در دل مراکز صدور قدرت رخنه نمود. با آگاهی از پلان های شوم و تفرقه افگنانه دلان کمپنی های بزرگ اسلحه و نفت که از کوچکترین ضعف اعظمی ترین استفاده را برده اند و تا سرحد تجزیه کشور به نام دفاع کاذبانه از حقوق اقلیت ها با ارائه نسخه های مضر و غیرعملی چون نظام فدرال، یا تقسیم کشور به چند زون یا افغانستان شمالی و جنوبی، مشوق ایجاد نمودن اتحاد ها و ائتلاف های نا مقدس بین حلقات امتحان شده افغانی می باشند.

بناء با هوشیاری و دقت کامل خواست های جدی تانرا برای نجات وطن مطرح ساخته و آنچه را به نفع تأمین امنیت و منافع عُلّیای کشور میدانیم، از هر امکان معقول و از هر ملاقاتی با مراجع با **صلاحیت دیپلماتیک و نه استخباراتی**، کشور های ذی نفوذ توسط هر هموطن وطن دوست و خدمتگذار به مردم آنچه از دستش برمیآید به انجام رسانید و به این وسیله ابر قدرت را نیز از عمق منجلاب گیر مانده مطلع ساخت و آرامش روح و روان و وجدان را با رضای پرور دگار یکجا نصیب گردید.

ملی یووالی د گد کور د ژ غورولو او ساتنی ضامن دی!

په درنشت